

پیش‌خواران

«الف لام خمینی»

تلاشی برای بازخوانی حیات اسطوره

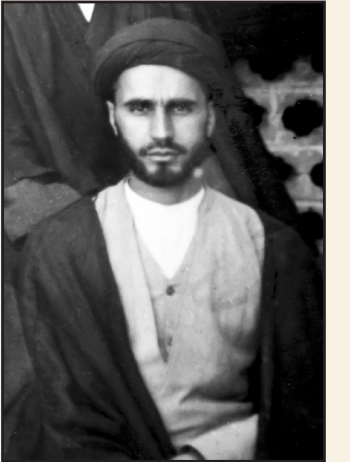
سلسله جنبان انقلاب در عرصه علم و عمل

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، تلاش دارد تا با اسلوبی متفاوت، زندگی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی را بازخواند. این پژوهش از سوی هدایت‌الله بهودی انجام شده

و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به انتشار آن مبادرت ورزیده است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، به نکات پی آمده اشعار برده است: «کتاب الف لام خمینی، زندگینامه امام روح‌الله موسوی خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به وسیله مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شد. این کتاب که در سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه شد، زندگی و زمانه امام خمینی را تا پیروزی انقلاب اسلامی با نگاه و نگارشی دیگر بررسی کرده است. هدایت‌الله بهودی نویسنده در یادداشت خود یادآور گردیده که پس از چهار سال تلاش همواره با استناد به مدارک و مستندات معتبر آن را فراهم آورده است. کتاب الف لام خمینی با معرفی خاندان امام خمینی آغاز می‌شود و سیر زندگی روح‌الله را از تولد، نشو و نما، تحصیل در زادگاه، ادامه درس آموزی در اراک و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد. می‌توان این زندگینامه را به دو بخش کلی تقسیم کرد: اول، زندگی علمی حاج آقا روح‌الله خمینی در قم که بیش از ۴۰ سال از عمر او را در بر گرفت. او در این چهار دهه درس گرفت، درس داد، نوشت و مآثرک چشمگیری از منشورات و شاگردان به جا گذاشت. دوم، زندگی سیاسی آیت‌الله است که از اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌گردد و با فراز و نشیب‌های فراوان ۱۶ سال بعد، به پیروزی نهضت اسلامی در سال



► امام خمینی در دوران جوانی

۱۳۵۷ می‌رسد. نویسنده در همان یادداشت یادآور شده که گشت و گذار تاریخی در هر دو مقطع با دشواری روبه‌رو بوده است. دوره اول به جهت نبود اسناد دوره دوم به علت فراوانی اسناد، چراکه تاریخ نگار برای یافتن روایت درست و رسیدن به حقیقت واقع، باید از مسیر پر پیچ و خم راستی آزمایی مدارک و یادهای به جای مانده عبور کند و درام خبرها و خاطرات تبلیغی نیفتد. چاپ اول الف لام خمینی با ۱۵۷ صفحه، در یک جلد شامل یادداشت‌ناشر، یادداشت نویسنده، ۱۸ فصل، فهرست اعلام و بهای ۶۰هزار تومان منتشر شده و در اختیار علاقمندان است....

تارنمای خبرگزاری ایران نیز در پی انتشار این کتاب، خاطر نشان کرده است: «صل این کار که یک کتاب به عنوان زندگینامه در باره شخصی مثل امام نوشته شود، بسیار کار پسندیده‌ای است. سنت شرح حال نگاری در فرهنگ نگارشی ما وجود داشته، اما اینکه تک نگاری برای افراد بنویسیم، سابقه طولانی ندارد. می‌شود پیامبر و امامان را استثناء کرد، اما به صورت عموم و جز در موارد اندک، نگارش تک نگاری درباره بزرگان، معمول نبوده است. البته باید یک نکته دیگر را هم استثناء کرد و آن تواریخ درباری است که در گذشته مثلاً برای شاه عباس یا شاه سلطان حسین و جز اینها نوشته می‌شده است، بنابراین باید بگوییم که این دو استثناء که بگذریم، مثلاً نگارش کتابی درباره علامه جلی یا دیگران، در سنت قدیمی ما چندان باب نبوده، اما در یکصد سال گذشته این نوع نگارش تک نگارانه معمول شده است. در روزگار ما آثار فراوانی در بساره افراد به صورت مستقل نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد در حال تبدیل شدن به یک سبک ویژه در گرایش از تاریخ با عنوان شرح حال نگاری تک نگارانه است. مسلماً هر سبکی، باید اصول علمی خاص خود را داشته باشد و دیگر اینکه هر سبکی، در سطوح مختلف از نظر دقت، توصیف و گزارش عرضه می‌شود...».

■ **انوشه میر مرعشی**

مردم ایران از دیرباز، همیشه نسبت به مسائل و حوادث سیاسی حساس بوده و در برابر آن واکنش داشته‌اند. یکی از مصادیق بروز کنش مردم ایران در برابر مسائل و حوادث سیاسی، تیلور آن در طنزگویی و طنز نویسی بوده است. گرچه در ادبیات کهن ایران زمین به شکل مستقیم طنز سیاسی وجود نداشته، اما انتقاد به وضع موجود در قالب «هجو» و «هزل» سیاستمداران، حاکمان و مؤثرین عرصه سیاست، همیشه در تولیدات ادبی متبلور بوده است. با ورود نظام مشروطه اما «طنزنویسی سیاسی» رونق دوچندانی گرفت و با وجود افت و خیزهای بسیار، در دوران پهلوی ادامه یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به رغم سختی‌هایی که مردم و مسئولان جمهوری اسلامی برای اداره کشور، ایجاد سازندگی و آبادانی، مقابله با ضدانقلاب و گروه‌ک‌ها و جنگ با دشمن یعنی داشتند، از طنز سیاسی استقبال می‌کردند و موجب رونق بخشی آن بودند. در مقال بی آمده نگاهی داشته‌ایم به مقوله طنز سیاسی در مطبوعات تاریخ معاصر، از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه طنز سیاسی دهه ۱۶۰امید که مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

■ ■ ■

■ **پیشینه طنز سیاسی در ایران**

دوره مشروطه (از ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴.ش) را می‌توان دوره رشد و گسترش طنزنویسی ایرانیان دانست. با توسعه و ازدیاد چاپ انواع مطبوعه در این برهه از زمان، طنزنویسان با ورود به موضوعات مختلف اجتماعی و سیاسی، سعی در روشنگری برای مخاطب خود داشتند. گرچه باید اذعان کرد که در برخی از موارد، این طنزنویسی از دایره اخلاق و انصاف خارج می‌شد و با دروغگویی، تهمت زنی و حتی فحش نویسی همراه می‌شد. چنانچه می‌توان اوج این بی‌اخلاقی و تخریب‌ها به اسم طنز را در رفتار بعضی طنزنویسان آن دوره با آیت‌الله شهید «شیخ فضل الله نوری» دید. همچون شعر «میرزا ابوالقاسم لاهوتی

نقطه عطف طنز نویسی سیاسی در مطبوعات و در طول سال‌های دفاع مقدس را باید در روزنامه «اطلاعات» دانست، آن هم برای چاپ ستون «دو کلمه حرف حساب» به قلم کیومرث صابری فومنی معروف به گل آقا. شروع چاپ ستون طنز دو کلمه حرف حساب به ۲۴ دی ۱۳۶۲.ش برمی‌گشت. در ماه‌های اول بیشتر موضوعات ستون «دو کلمه حرف حساب» درباره مواضع دشمنان خارجی و ضدانقلابیون داخلی علیه ایران اسلامی بود



۱۳۵۹. خدایان، امام خمینی در حال مطالعه جریب

د

کیومرث صابری: «آقای دعائی به امام گفت: ایشان فرهنگی هستند، زمانی مشاور آقای رجائی بودند، تا سال ۶۲ هم مشاور آقای خامنه‌ای بودند، الان در وزارت ارشاد هستند. امام سرش پایین بود و ذکر می‌گفت. بعد آقای دعائی گفت: آقا چرا خسته‌تان یکنم؟ شما هم که به ما نگاه نمی‌کنید، اصلاً ایشان گل آقااست. تا گفت گل آقااست، امام گفت: تویی؟ و شروع کرد به خندیدن. گفتیم: برای من دعا کنید آقا که سن از راه راست منحرف نشوم، کار طنز سخت است. ایشان گفت: من برای همه دعا می‌کنم که منحرف نشویم...».

نگاهی به تاریخچه انتقاد سیاسی در مطبوعات دهه اول برقراری نظام اسلامی

علاقه بنیانگذار جمهوری اسلامی به ستون «دو کلمه حرف حساب»

کرمانشاهی» که در آن از اعدام شیخ، چنین طنز سرایی

(که در واقع هجوگویی) کرده است:

المنه لله که جوان شاه‌خجسته

چون لاله رسته، بر تخت نشست

هان! ای عقلا وقت گسیل و کلاشد!

به به چه به جا شد!

قاطرچی و الدنگ و دبوری به کجارت؟

سوری به کجارت؟

یارو به درک رفت و دبوری کله پا شد

به به چه به جا شد!

یا شیخ نبینی تو دگر رنگ علو را!

نه قیمه پلورانه، نه قرمه چلور!

دود لذت از داغ فشجان به هوا شد

به به چه به جا شد!^(۱)

البته در کنار این بی‌اخلاقی‌ها در همان دوره مشروطه طنزنویسانی بودند که با رعایت انصاف و اخاق، انتقادات خود را از رفتار غلط سیاستمداران و دشمنان ایران در قالب طنز بیان می‌کردند و متعهدانه به دنبال اصلاح وضع موجود بودند. سید اشراف الدین گیلانی (قزوینی) و هفت‌نامه نسیم شمالش را می‌توان جزو آن طنزنویسان متعهد و وزن دار آن دوره دانست.

■ **طنز سیاسی و پهلوی‌ها**

از اواخر مشروطه و سپس جنگ جهانی اول و اشغال ایران و وقوع قحطی و ناامنی، طنزنویسی در ایران کم‌رنگ‌شد و البته بعد از کودتای انگلیسی ۱۲۹۹.ش، کم‌رونق‌تر هم شد. گرچه هنوز مطبوعاتی بودند که افراد در آنها طنز می‌نوشتند و به رفتارهای قلدر مآبانه سردار سپه اعتراض می‌کردند. مانند شعر معروف «مظهر جمهور»

من مظهر جمهورم، الدرم و بولدرم
از صق و صفا دورم، الدرم و بولدرم
من قلدر پر زورم، الدرم و بولدرم



۱۳۸۰. کیومرث صابری فومنی در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی

تعطیلی‌های چندباره مواجه شد. این امر تا بدانجا پیش رفت که توفیق در تیر ۱۳۵۰.ش و در دوران نخست‌وزیری امیرعباس هویدا به دستور شخص نخست‌وزیر بسته شد و حتی در مهر ۱۳۵۱.ش، دولت با استناد به تبصره دو ماده پنج قانون مطبوعات که تصریح می‌کرد اگر روزنامه‌ای تا یک سال منتشر نشود، امتیازش لغو می‌شود، امتیاز توفیق را لغو و چاپخانه آن را نیز کاملاً تعطیل کرد!^(۲)

■ **انقلاب اسلامی و طنزنویسی سیاسی**

با پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد فضای باز سیاسی به یکباره انبوهی از روزنامه‌ها و مجلات، انتشار خود را با رویکردهای سیاسی و عقیدتی کاملاً مختلف و گاه متضاد آغاز کردند. البته همین رویکردهای مختلف به ویژه از سوی مطبوعاتی که با نظام جمهوری اسلامی زاویه داشتند، چند ماه پس از بهمن ۵۷ به جنگ قلمی و مطبوعاتی با حکومت اسلامی نوپای ایران انجامید. پرواضح است در آن میان مطبوعات طنز و طنزنویسان نیز همین وضعیت را داشتند، یعنی از آنجا که طنزنویسی بسیار پررونق شده بود، برخی از طنزنویسان ضدانقلاب هم با رویکردی معاندانه و بعضاً «شمشیر را از ر بسته» علیه نظام جمهوری اسلامی، رهبر کبیر انقلاب و انقلابیون مسلمان را در نوشته خود دنبال می‌کردند.

اما اولین نشریه طنزی که بعد از انقلاب منتشر شد، «پهلول» بود که پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.ش نیز منتشر می‌شد و پس از آن تعطیل شد. به همین دلیل وقتی در آخرین روز از سال ۵۷ منتشر شد، روی جلدش نوشت: دوره جدید، سال ۲۹. در شش ماهه نخست سال ۵۷، نشریات طنز بسیاری منتشر شدند که از میان آنها می‌توان به حاجی‌بابا، آهنگر (چلنگر)، دوره گرد، منش حسن، خوش‌خنده، یخک، جیغ و داد، ملاتصرالدین و دخو اشاره کرد. ضمناً در بعضی از مجلات و روزنامه‌ها مثل فردوسی، بامداد و روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی هم صفحات یا ستون‌های طنز منتشر می‌شد.^(۳) گاهی این مطالب طنز از سوی جریان انقلابی مسلمان نوشته می‌شد. مانند مقاله طنز شهپر فرک» به قلم «م فنی» در روزنامه جمهوری اسلامی که در آن نویسنده با زبان طنز به بی‌حجابان و آرایش‌تند صورت برخی خانم‌ها و حرف‌های روشنفکران در زمینه اعتراض به احکام حجاب در اسلام، انتقاد کرده بود.^(۴) با بالا گرفتن رویارویی جریان‌های ضدانقلاب با نظام جمهوری اسلامی در عرصه مطبوعات و به ویژه شروع اعتراضات عمومی مردم به رویکرد روزنامه‌ها و مجلاتی که رسماً به رهبری، حکومت اسلامی و انقلابیون مسلمان توهین‌های مستقیم و علنی می‌کردند، شورای انقلاب و دولت موقت به ماجرا ورود کردند. به این شکل که قرار شد با همکاری نمایندگان مطبوعات، وزارت ارشاد و شورای انقلاب، یک آیین نامه برای قانونمندی فضای مطبوعاتی کشور تنظیم شود، اما به دلیل وجود اختلافات زیاد و دعواهای سیاسی میان خود، مطبوعاتی‌ها عملاً این آیین نامه تصویب نکرد، اما دو ماه بعد از آن ماجرا و سپس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی از سوی نمایندگان مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی و اشاره بند دوم اصل سوم این قانون در باره نشریات^(۵) در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸، نخستین مجموعه مقررات مطبوعاتی در نظام جمهوری اسلامی به تصویب شورای انقلاب رسید.^(۶) با تصویب «لایحه مطبوعاتی» شورای انقلاب، مطبوعاتی که نمی‌خواستند به قانون تمکین کنند، با برخورد دادستانی انقلاب اسلامی مواجه شدند و بعد از دادگاهی شدن تعدادی از مدیران مسئول چندین روزنامه و مجله به دلیل اصرار بر تخلف از قانون در دادگاه محکوم و مطبوعه ایشان توقیف و تعطیل شد. به طور مثال نشریه طنز «باقوت» که انتشار خود را از تابستان ۱۳۵۸.ش به مدیریتمسئولی مهندس یحیی خالقی (کاریکاتورست) و سردبیری ابوالقاسم صادقی آغاز کرده بود، شامل این مورد شدند. مدیرمسئول و سردبیر این مجله که هر دو از همکاران مجله طنز توفیق بودند، به دلیل رویکردی که نسبت به انقلاب اسلامی و به ویژه موضعی که علیه احکام اسلام داشتند، توسط دادستانی انقلاب اسلامی در دادگاه محکوم شده و مجله‌شان در مرداد ۱۳۵۹.ش توقیف شد.^(۷) البته با شروع جنگ تحمیلی و فعالیت ضدانقلاب‌ها و سپس ترورهای بی در پی منافقین در کشور، چاپ مطالب طنز اجتماعی و سیاسی در مطبوعات کم‌شد، اما قطع نشد. در طول سال‌های ۶۰ و با وجود وضعیت بحرانی کشور، همچنان مطالب طنز در لایه‌لای صفحات روزنامه‌ها و مجلات «توفیق» می‌شد. یکی از مصادیق مهم این امر، انتشار مجله «فکاهبون» با مدیریت ابوالقاسم صادقی بود که از اسفند سال ۶۱ به روی ده‌ها رفت و یکی از اتفاقات مبارک قلمداد می‌شود. در این مجله طنز افراد شاخص و طنزپرداز ی چون: محمد خرمنشاهی، محمد حاجی حسینی، ناصر انجهادی، سهراب اسدی، حسن زارع، خسروشاهی، مرتضی فرجیان، محمد صالحی آرام، جواد عزیزاده، محمد پورنانی، احمد عربانی، احمد عبدالحی‌نیا و بهمن عبیدی که البته بعضی از آنها از همکاران سابق مجله «توفیق» بودند، به فعالیت مشغول بودند.^(۸)

■ **طنزنویسی سیاسی، بعد از آرام شدن فضای سیاسی کشور**
اما نقطه عطف طنزنویسی سیاسی در مطبوعات و در طول سال‌های دفاع مقدس را باید در روزنامه «اطلاعات» دانست، آن هم برای چاپ ستون «دو کلمه حرف حساب» به قلم کیومرث صابری فومنی معروف به گل آقا. شروع چاپ ستون طنز دو کلمه حرف حساب به ۲۴ دی ۱۳۶۲.ش بر می‌گشت.^(۱) در ماه‌های اول بیشتر موضوعات ستون «دو کلمه حرف حساب» درباره مواضع دشمنان خارجی و ضدانقلابیون داخلی علیه ایران اسلامی بود. مانند دو کلمه حرف حساب شماره ۱۷۵۰۰. روزنامه اطلاعات:

«والری سوخین سخنگوی وزارت خارجه شورای شوروی، طی مصاحبه‌ای با یک روزنامه کویتی، ایران را در جنگ تحمیلی مقصر دانسته و گفته: ایران همه تلاش‌های صلح را رد کرده است. سال‌ها پیش از این یک شاعر آسیایی گفته بود: «کسی که به ما نبریده بود/ سوخین ور پریده بود». پس از پنج سال مقاومت در برابر متجاوز، امروز «تاواریش» همان را به ما می‌گوید که «عموسام» می‌گفت. همنشین با امریکا که رفقا سال‌هاست عیش را انجام می‌دهند ولی حرفش را نمی‌زنند؛ علی‌القاعده باید هم چنین عواقبی داشته باشد...».

اما بعد از چند ماه، بیشتر موضوعات ستون دو کلمه حرف حساب «گل آقا» به مسائل داخلی و به ویژه دغدغه‌های اقتصادی مردم اختصاص پیدا کرد. مانند مطلب طنز «هر خورد ریشه‌ای» در دو کلمه حرف حساب شماره ۱۷۸۷۶. روزنامه اطلاعات: «از همان روزهایی که مسئله وصول مالیات‌ها سر زبان‌ها افتاد، هر کس برای خودش حرفی زد و طرح و پیشنهادی داد، راستش حرف بنده هم این است که اگر مسئولان مالیاتی به آن توجه کنند، خیلی خوب است. اینکه مبادا گمان کنند که مالیات‌ها را باید از صاحبان درآمد و ثروت گرفت، ابداً! امروزه دیگر ثابت شده که در قانون نباید تبعیض وجود داشته باشد، یعنی اگر قرار است مالیات بگیرند، باید از آدم‌های بی‌درآمد و بی‌ثروت شروع کنند، آن هم به صورت تصاعدی! حالا دیگر تصمیم با خودشان است. اگر می‌خواهند «هر خورد ریشه‌ای» بکنند، راهش همین است که من گفتم...»^(۲)

البته چند سال بعد از روزنامه اطلاعات، روزنامه‌های دیگر هم شروع به چاپ مطالبی طنز آن هم از نوع سیاسی کردند. مانند مطلب «طنز سیاسی» درباره مواضع بلوک غرب و شرق نسبت به فاجعه حلبچه در روزنامه «رسالت».^(۳) گرچه باید این را در نظر داشت که بار طنز و حجم مطالب طنز روزنامه‌های دیگر، اصلاً قابل مقایسه با ستون «دو کلمه حرف حساب» روزنامه اطلاعات نبود.

■ **امام خمینی(ره) و طنز سیاسی**

جالب است که امام خمینی به ستون دو کلمه حرف حساب علاقه داشتند و آن را مطالعه می‌کردند. مرحوم کیومرث صابری فومنی در سال آخر حیات امام همراه با حجت‌الاسلام سیدمحمود دعائی به دیدار ایشان می‌روند و خاطره آن دیدار را اینگونه شرح می‌دهند: «آقای دعائی گفت: ایشان فرهنگی هستند، معلم بودند، یک زمانی مشاور آقای رجائی بودند، تا سال ۶۲ مشاور آقای خامنه‌ای بودند، الان مشاور فرهنگی هستند در وزارت ارشاد. امام سرش پایین بود و ذکر می‌گفت. بعد آقای دعائی گفت: آقا چرا خسته‌تان یکنم؟ شما هم که به ما نگاه نمی‌کنید، اصلاً ایشان گل آقااست. تا گفت گل آقا است، امام گفت: تویی؟ و شروع کرد به خندیدن... گفتیم: برای من دعا کنید آقا که من از راه راست منحرف نشوم، کار طنز سخت است. ایشان گفت: من برای همه دعا می‌کنم که منحرف نشویم. آقای دعائی گفت: آقا شما به گل آقا ما سکه نمی‌دهید؟ گفت: چرا. گویا آقای رسولی یا توسلی بودند پیام نیست). یک کیسه فریزر پلاستیکی آوردند، توی آن سکه‌های یک قرانی بود. آن موقع با یک قرانی، فقط می‌توانستی با تلفن عمومی سکه‌ای حرف بزنی. امام دست کردند و یک مشت سکه به من دادند. ایشان بعد در کیسه را بستند. امام زد پشت دشتش و تاسه دفعه، هر بار یک مشت یک قرانی گرفت.م، آن آقا که یادم نیست آقای توسلی بود یا رسولی گفت: امام به کسی سه بار سکه نمی‌دهد. من دیدم همایش یک ریالی است، گفتیم: قریان امام مان بروم، ماشاءالله انقدر ولخرج هستند که ورکشته نشوند خوب است. که ایشان به شدت خندیدند...»^(۴)

■ **منابع:**

- ^۱ - بزرآن، داوراد، «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت»، ترجمه محمد عباسی، نشر علم، ۱۳۸۶. ش، ص ۱۵۰
- ^۲ - مدخل «حسن توفیق»، دایرة المعارف اسلامی، چاپ بنیاد فرهنگی دایرة المعارف اسلامی، تهران، چاپ ۱۳۸۱.
- ^۳ - ماهنامه خردنامه همشهری، شماره ۲۰، مورخ آبان ۱۳۸۶.ش، مقاله «ستون پنجم: طنز مطبوعاتی بعد از انقلاب اسلامی»، نوشته محمودفرجانی
- ^۴ - روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۲، مورخ شنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۸.ش، ص ۶
- ^۵ - در این بدین آمده: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادانه، مگر اینکه مثل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند». همچنین در بخش دیگری از این اصل آمده: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.»
- ^۶ - مسیر تحول قوانین مطبوعات در ایران، محمدرضا معین فرد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.ش، مصص ۱۳۴ و ۱۳۵
- ^۷ - مجله «باقوت» در شماره ۱۱، مورخ پنج‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۵۹.ش، در صفحه روی جلد با درج کاریکاتوری به احکام اسلام درباره موسیقی‌های حرام و لپوی و ممنوعیت یخش این نوع موسیقی‌ها از صداوسیما توهین کرد.
- ^۸ - فرجانی، محمود، خردنامه همشهری
- ^۹ - روزنامه اطلاعات، شماره ۱۷۴۹۹، مورخ دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۲.ش، ص ۳
- ^{۱۰} - روزنامه اطلاعات، شماره ۱۷۸۷۶، مورخ سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵.ش، ص ۳
- ^{۱۱} - روزنامه رسالت، شماره ۹۲۶، مورخ چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۷.ش، ص ۸
- ^{۱۲} - خاطرات «کیومرث صابری» - گل آقا...، یادها، شماره ۱۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، صص ۱۵ و ۱۶